



ایران در آستانه
انتخابات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شورای اجتماعی کشور

جستارهایی در
ایران در آستانه انتخابات

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

آبان ۱۳۹۴

جستارهایی در

ایران در آستانه انتخابات

به سفارش شورای اجتماعی کشور

رصد فرهنگ و اجتماع - ۳

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

آبان ماه ۱۳۹۴

جستارهایی در ایران در آستانه انتخابات / [تهیه و گردآوری] پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، رصد فرهنگ و اجتماع؛ [برای] شورای اجتماعی کشور. - تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۴.

۳۶۶ ص.؛ جدول، نمودار. - (رصد فرهنگ و اجتماع؛ ۳)

موضوع: ۱. ایران. مجلس شورای اسلامی - انتخابات - مقاله‌ها و خطابه‌ها ۲. ایران. مجلس شورای اسلامی - انتخابات - جنبه‌های جامعه‌شناختی ۳. انتخابات - ایران
شناسه افزوده: الف. ایران. وزارت کشور. معاونت اجتماعی. شورای اجتماعی کشور ب. فروست

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ج. ۵ الف / ۱۷۱۶ DSR

رده بندی دیویی: ۰۸۴۴/۹۵۵

جستارهایی در ایران در آستانه انتخابات

شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

نوبت چاپ: آبان ۱۳۹۴

فهرست مطالب

مقدمه / سیدمرتضی میرباقری _____ ۷

■ ■ ■ انتخابات و ملاحظات اجتماعی فرهنگی

- ۱۱ _____ پیچیدگی جامعه و کنش جمعی مردم در ایران / محمد آقاسی
- ۲۱ _____ نگاهی به رابطه روحانیت و مجلس، از مشروطه تا امروز؛ استغنائی سازمان روحانیت از مجلس / حسن اجرایی
- ۳۳ _____ انتخابات پارلمانی، هویت جمعی و امر سیاسی / ریحانه اصلان زاده
- ۴۱ _____ سازمان‌های رفاهی، کنترل سیاسی، شهروندی / رضا امیدی
- ۴۷ _____ تأملی بر مشارکت طبقه متوسط در انتخابات پیش‌رو / یاسر باقری
- ۵۷ _____ پیامدهای نگاه اصلی به جای نگاه آلی به انتخابات در ایران / محمدرضا جوادی یگانه
- ۷۱ _____ اقوام و انتخابات / ابراهیم حاجیانی
- ۸۳ _____ بررسی هویت مورد نظر گفتمان جمهوری اسلامی ایران در قبال زنان / سید محمدمهدی خوبی
- ۹۷ _____ وندالیسم انتخاباتی؛ تخریب اموال عمومی یا تخریب افکار عمومی؟ / محمدمهدی رحمتی
- ۱۰۳ _____ اقتصاد انتخابات مجلس / علی سرزعی
- ۱۱۱ _____ لنینی شدن فرایند / علیرضا شجاعی زند
- ۱۲۳ _____ امتناع وعده‌های انتخاباتی در سطح ملی / عباس عبدی
- ۱۳۱ _____ مجلس شورای اسلامی و سرمایه اجتماعی / غلامرضا غفاری
- ۱۴۱ _____ تحلیل پیامدهای اجتماعی و فرهنگی انتخابات؛ از منظر منازعات کلامی / محمد جواد غلامرضا کاشی
- ۱۵۱ _____ الزامات مجلس دهم برای بقا و ارتقای ایران / محمد فاضلی
- ۱۶۳ _____ گذار به مردم‌سالاری مستقیم / ناصر فکوهی
- ۱۷۱ _____ دروغ‌گویی در انتخابات؛ اشکال، سطوح، و پیامدها / حسن محدثی گیلوایی
- ۱۹۵ _____ احزاب شه‌ساخته دوره پهلوی و انتخابات / رضا مختاری اصفهانی
- ۲۰۳ _____ انتخابات فرصتی برای انشقاق یا ائتلاف / احمد میدری
- ۲۱۵ _____ ملاحظات درباره انتخابات در ایران / جواد میری
- ۲۲۳ _____ انتخابات و فرهنگ شهرت؛ مشاهیر ورزشی و هنری (سلبریتی‌ها) و انتخابات در ایران / راضیه یاسینی

■ ■ ■ انتخابات و مطالبات

- ۲۳۹ _____ انتخابات و مطالبات زنان / شیرین احمدنیا
- ۲۴۹ _____ انتخابات و مطالبات رأی اولی‌ها / سمیه توحیدلو
- ۲۶۳ _____ انتخابات، آموزش عمومی و مسئله آب / جبار رحمانی

- ۲۷۳ _____ مطالبات در حوزه گاز طبیعی و آینده ایران / مجید عباسی
- ۲۸۱ _____ انتخابات و اقلیت‌های مغفول: صدا و ژئوپلیتیک قومی-دینی / مهرداد عربستانی
- ۲۹۳ _____ رصد اقتصاد هنر ایران در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی / محمدرضا مریدی

■ ■ ■ انتخابات و رسانه‌ها

- ۳۰۱ _____ رویکرد شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای به انتخابات ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۰۹ _____ استفاده از ظرفیت پیام‌رسان‌های موبایلی در انتخابات / شادی ضابط
- ۳۱۹ _____ آن‌لاین بدون ایمیل / محمد معماریان
- ۳۳۱ _____ الگوی تبلیغات رسمی انتخابات در ایران با تأکید بر صداوسیما / نوح منوری
- ۳۳۹ _____ ناآرامی در نهاد ناپایدار شبکه همراه / فرشاد مهدی‌پور
- ۳۴۷ _____ رفتار انتخاباتی با نگاهی به مصرف رسانه‌ای / عباس نعمتی
- ۳۵۷ _____ اهمیت ویدئوهای منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی مجازی در آستانه انتخابات مجلس دهم / حسین یزدان‌شناس

■ ■ ■ پیامدهای نگاه اصلی به جای نگاه آلی به انتخابات در ایران

محمدرضا جوادی یگانه

عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

۱. مقدمه

در بیشتر کشورهای خاورمیانه، جمهوریت صورتکی است بر پیکر حکومت فردی: انتخابات یک نفره و آرای نودوپنج درصدی و بالاتر حاکم دایمی و مجالس بی‌اثر و فرمایشی. در ایران اما، جمهوریت تجربه‌ای نوپاست، هرچند مجلس شورا سابقه‌ای یکصدساله دارد. مجلس شورای ملی جز معدودی دوره‌ها، فرمایشی و نمایشی بوده و نمایندگان به میل ملوکانه انتخاب می‌شده‌اند. این بوده که خواسته‌ی اساسی مردم در انقلاب اسلامی، علاوه بر استقلال و قطع وابستگی به دولت‌های استعمارگر، آزادی سیاسی بوده که مظهر آن انتخاب حاکمان توسط مردم بود. جمهوریت نوپای محصول انقلاب، علاوه بر مجلس شورای اسلامی، در ریاست‌جمهوری و خبرنگان رهبری و شوراهای شهر و روستا نیز حضور دارد، اما مشخصاً انتخابات مجلس شورای اسلامی با حاشیه‌هایی در رد صلاحیت‌ها و در ابطال و تأیید انتخابات همراه بوده است. این قلم بنا دارد تا این مسئله را از منظری

دیگر بکاود؛ یعنی، نقد انتخابات را به منزله مشروعیت نظام تلقی کردن و هدف اصلی آن را که انتخاب میان دو یا چند فرد یا گروه است، حاشیه‌ای تلقی کردن و همچنین نقد شتاب‌های غیرلازم در مقدمات، برگزاری و تأیید انتخابات و طرح ایده «شتاب همراه با تأنی».

انقلاب اسلامی ایران مشروعیت خود را از آغاز بر پایه حق شرعی و حق قانونی گرفته است.^۱ حق شرعی که مبنای ثابتی داشته، اما حق قانونی با پذیرش مردم تعریف شده است، و بعد از تجربه کوتاه تحزب پس از انقلاب، همواره حضور مستقیم مردم مبنای پذیرش آنان تعریف شده است. این حضور در دو عرصه اصلی متجلی بوده است: راهپیمایی ۲۲ بهمن و شماره افراد شرکت‌کننده در انتخابات. از این رو است که صف‌های طولانی مردم در رأی‌گیری نشانه حضور پرشور مردم تلقی می‌شده است.

بسیاری از مشکلات موجود در انتخابات در ایران به همین اصلی تلقی شدن انتخابات برمی‌گردد؛ یعنی، وقتی که نفس برگزاری انتخابات مهم است و میزان مشارکت مردم در آن موفقیت انتخابات را تعیین می‌کند. به همین دلیل است که تشکیک و شبهه در انتخابات مخالفت با اصل نظام تلقی می‌شود، چون این احتمال داده می‌شود که بر اثر آن مشارکت مردم در انتخابات کم شود؛ و به همین دلیل است که آسیب‌شناسی چندانی درباره رویه‌ها و نقایص انتخابات پیشین انجام نمی‌شود. در طول زمان، بخشی از رویه‌های موجود شکل گرفته است و مناسک‌گرایی حاکم بر آن، اجازه تأمل درباره بهبود آن را نمی‌دهد.

یکی از این رویه‌ها، زمان برگزاری انتخابات است. ماده ۱۰ قانون انتخابات مجلس می‌گوید انتخابات در یک روز برگزار می‌شود، روز تعطیل رسمی و مدت آن حداقل ده ساعت است و در صورت ضرورت قابل تمدید است. اما، قانون ضرورتی در برآورد رسمی میزان مشارکت مردم در انتخابات در هر حوزه انتخابیه را پیش از انتخابات لازم ندانسته است؛ یعنی اینکه افراد قبل از انتخابات ثبت نام کنند تا با تقریب زیاد مشخص باشد چند نفر رأی می‌دهند و بر اساس تعداد رأی‌دهندگان، حوزه و زمان تعیین شود. رفتار مردم در این سال‌ها نیز حاکی از این بوده که معمولاً در ساعت‌های آخر رأی

می‌دهند و البته برانگیزانندگی صداوسیما در روز انتخابات هم عامل مؤثری در این موضوع است و اینکه احتمالاً مردم متوجه می‌شوند دیگران هم رأی داده‌اند و لذا بیشتر ترغیب می‌شوند رأی بدهند و لذا گریزی از تمدید رأی‌گیری نیست؛ معمولاً تمدید رأی نیز ساعت به ساعت است و احتمالاً عده‌ای پشت در می‌مانند یا دیر رأی می‌دهند. رسانه‌ها و به‌ویژه تلویزیون هم مشارکت مردم را، به‌جای درصد مشارکت‌کنندگان، با صف‌های طولانی نشان می‌دهد که البته خیلی هم مطلوب و قابل افتخار نیست: هم عدم پیش‌بینی میزان رأی‌دهندگان را نشان می‌دهد، هم وقت مردم تلف می‌شود و هم شاید برخی را از رأی‌دادن منصرف کند. نکته مهم‌تر اینکه این نحوه تمدید می‌تواند دردسرزا هم باشد، کما اینکه یکی از اعتراضات معترضان در انتخابات ۱۳۸۸، تمدیدهای دیرهنگام بود و اینکه گفته می‌شد هنوز مردم زیادی می‌خواستند رأی بدهند که زمان انتخابات پایان گرفت. این رویه تمدید زمان رأی‌گیری در این سال‌ها، تغییری پیدا نکرده است و مشکل به جای خود باقی است. هیچ زمانی نیز پس از انتخابات آسیب‌شناسی رویه انتخابات انجام نمی‌شود و نقدهای احتمالی هم به مخالفت با مشارکت گسترده مردم و همدستی با دشمن تعبیر می‌شود و پیش از انتخابات بعدی هم دیگر دیر شده است.

همین مناسک‌گرایی نیز در اعلام نتایج انتخابات هست؛ یعنی، تعجیل در اعلام نتیجه. از آنجاکه رویکرد اصلی در انتخابات اعلام مشارکت گسترده مردمی است و برگزاری انتخابات موفق، به‌سرعت باید پرونده انتخابات بسته شود، آن هم بدون شک و شبهه در آن. لذا، اصرار در اعلام نتایج انتخابات رخ می‌دهد. درحالی‌که در انتخابات با نتایج نزدیک به هم، یا وقتی که جامعه در زمان انتخابات دوقطبی شده، در فضای احساسی و ملتهب پس از انتخابات، اصرار نظام بر این است که «به‌سرعت» نتیجه انتخابات اعلام شود و پرونده آن بسته شود. در سال ۸۸، اصرار زیادی بود که نتیجه به‌سرعت معلوم شود تا از بحران گذر شود؛ نتیجه اعلام شد، ولی چون مخالفان قانع نشدند، پس از شش سال، هنوز مسئله حل نشده است. درحالی‌که می‌شد صبر کرد، گفتگو کرد و از معترضان خواست که دلایل مخالفت خود را اعلام کنند، آن را علنی و زنده بیان کنند، پاسخ مجریان و ناظران را شنید و آنگاه

که نامزدها و به تبع آن مردم قانع شدند، نتیجه را اعلام کرد. «قانع کردن مخالفان» رویه‌ای است که رهبر انقلاب در ماجرای هسته‌ای خواستار شدند؛ یعنی، دعوت کردن از مخالفان، شنیدن حرف‌های آنها، عمل به نکات درست، و در صورت عدم درست بودن نظر مخالفان، قانع کردن آنها که نتیجه آن می‌شود: «یکسان‌سازی دل‌ها و احساس‌ها و به تبع آن، عمل‌ها» و اتفاقاً ایشان تأکید کرده‌اند که زمان تصمیم‌نهایی را می‌توان عقب انداخت؛ یعنی، سرعت نسبت به اقلان در درجه دوم اهمیت است. البته، در موضوع انتخابات، بخشی از به‌تعویق‌انداختن زمان نیازمند اصلاح قانون است،^۲ ولی در هر حال، تغییر رویه به سمت گفتگو، پذیرش و اقلان، رفتاری است که بسیاری از مشکلات را حل می‌کند.

* * *

اما این رویه تنها در صورتی رخ خواهد که انتخابات و فرایند رقابت پذیرفته شود. بدیهی است که هریک از رقبای نامزدها قصد پیروزی دارند و بدیهی است که بازندگان تأمل بیشتری در نتایج خواهند داشت و اگر اندکی شبهه در رویه‌ها ببینند، اعتراض خواهند کرد. اعتراض طبیعی است و باید آن را مشروع دانست و باید برای معترضان زمان و فرصت کافی گذاشت و حتی از آن استقبال کرد.

در ادامه این متن به برخی از این رویه‌هایی که تاکنون کمتر به آن توجه شده و موجب نارضایتی‌هایی شده است اشاره می‌شود.

به نظر می‌رسد که بی‌توجهی به این مسائل باعث شده که برابری در فرصت‌ها برای نامزدها زیر سؤال برود. البته، اعتراض به این رویه‌ها هم کمتر مورد توجه ناظران و مجریان قرار گرفته است و چون نوعاً کسانی که اعتراض دارند از جناح مقابل ناظران و رسانه ملی هستند (متأسفانه رویه‌های پیشین به گونه‌ای بوده که می‌توان تمایلات رسانه ملی و برخی از ناظران مؤثر را حدس زد)، برچسب‌های ضدیت با نظام و همسویی با بیگانگان سهل‌تر به آنها می‌خورد و لذا اعتراضات آنها ذیل اقدام‌های رسانه‌های بیگانه در ضدیت با نظام تعریف می‌شود. همین مسئله باعث شده تا اعتنای کمتری به این اعتراضات بشود؛ و باز هم اصالی تلقی شدن انتخابات باعث شده تا کارکرد آلی انتخابات (در سنجش رأی مردم، که

کارکرد اصلی انتخابات است) فدای کارکرد اصالی آن در نمایش همراهی نظام با مردم شود.

نکته دیگر آن است که چون انتخابات این کارکرد ثانوی (یعنی مشروعیت بخشی) را دارد و دقت‌های کلان نظام در آن بیشتر است، رویه‌های دیگری جایگزین رویه‌های معقول تبلیغات در انتخابات شده است که به آن اشاره می‌شود.

* * *

یکی از موضوعات مهم از این دست، رویه‌های نام‌نویسی و بررسی صلاحیت نامزدهاست. زمان آغاز تبلیغات نامزدها بلافاصله پس از تأیید نهایی اسامی توسط هیئت نظارت و شورای نگهبان است؛ یعنی، نامزدها برای شروع تبلیغات و تدارک برای شروع آن، باید تا لحظات آخر صبر کنند و کسانی که از قبل تدارک دیده‌اند احتمال دارد که زحماتشان بیهوده باشد. از آنجاکه بسیاری از انواع مواد تبلیغی اکثر نامزدها، از همان لحظات اول شروع تبلیغات آماده است، این مسئله احتمال نابرابری در شروع را دامن می‌زند. از این رو، فرصتی چندروزه از پایان زمان اعلام اسامی تا آغاز تبلیغات می‌تواند همه را در یک سطح قرار دهد.

اما واقعیت آن است که از آنجاکه نامزدها منتظر آن لحظه آخر نمی‌مانند، از مدت‌ها پیش از آن تبلیغات غیررسمی را آغاز می‌کنند. در سطح محلی، حضور در مراسم گوناگون شهر و روستا و حضور بی‌موقع و با بهانه‌های متنوع در رسانه‌ها و روزنامه‌ها، نمونه‌ای از این تبلیغات است. نامزد احتمالی چون باید دیده شود تا مردم او را به یاد بیاورند یا انتخاب کنند، در هر موقع و موضعی حاضر است و سخنانی می‌گوید و کارهایی می‌کند که نتیجه آن به‌دست آوردن رأی مردم است، ولی گاه منافع شهر و حتی منافع ملی، قربانی دیده‌شدن نامزدها می‌شود. همین مسئله در سطح ملی و در انتخابات ریاست‌جمهوری هم هست (هرچند مسئله این متن نیست، برای روشن شدن بحث ذکر می‌شود). بخش اعظم تصمیم‌گروه‌های مرجع مردم پیش از آغاز تبلیغات گرفته می‌شود و از این رو، نامزدهای احتمالی باید خود را عرضه کنند. چه بسیار تریبون‌های رسمی رسانه ملی و نماز جمعه و سخنرانی‌ها و روزنامه‌ها در اختیار آنان قرار می‌گیرد، ولی آنها درباره

موضوعاتی سخن می‌گویند که فقط جلب توجه کنند و گاه همین سخنان مشکل ایجاد می‌کند، ولی چون برای دیده‌شدن است، در هر حال گفته خواهد شد. به علاوه، برخی از آنچه در ۸۸ موجب اعتراض شد، رفتارهایی بود از رئیس‌جمهور مستقر که از دید مخالفان حمل به تبلیغات می‌شد، مانند پرداخت سهام عدالت و افتتاح‌های فراوان و افزایش حقوق و... که مشابه همان اظهار نظرهای دیگران است، ولی چون رئیس‌جمهور قدرت اجرا دارد، آن را در عمل نشان می‌داد. شائبه تبلیغاتی بودن هم فرصت کار را در سال آخر از رئیس‌جمهور مستقر می‌گیرد و هم در خلأ قانونی، فرصت جلب آرای عمومی پیش از انتخابات به وی می‌دهد.

همه این موارد به این دلیل است که فرصت تبلیغات فقط هشت روز است (ماده ۵۶ قانون انتخابات مجلس) و هشت روز صرفاً برای تهییج و بسیج کفایت می‌کند. باید پذیرفت که نامزدها از سال پیش از انتخابات بتوانند سفر تبلیغی بروند (که در هر حال می‌روند)، سخنرانی تبلیغی داشته باشند و ستادی تشکیل بدهند و آن ستاد هم قانونی باشد. اگر نامزد احتمالی تأیید شورای نگهبان را کسب نکرد، طبیعتاً زیان کرده است و این بخشی از ریسک کار او است.

رویکرد صداوسیما هم به دلیل ملی‌بودن دشوار است: از یک طرف باید آگاهی ایجاد کند و از طرف دیگر نباید موضع بگیرد. همچنین، پیش از اعلام رسمی اسامی نمی‌تواند رفتارهای نامزدهای احتمالی را حمل بر نمایش انتخاباتی بگیرد و مجبور است آن را پوشش دهد. از سوی دیگر، در یک فرصت کوتاه باید مردم را برای شرکت در انتخابات تحریض کند. از این رو، عملاً آگاهی‌ای درباره انتخابات نمی‌تواند ایجاد کند؛ اگر هم ایجاد کند، تنها درباره اصل انتخابات است و لزوم شرکت در آن و نه درباره موضوع اصلی انتخابات که «انتخاب» میان چند نامزد متفاوت است.

اما بی‌توجهی به وسیله بودن انتخابات، اصرار بر نقش مشروعیت‌بخش انتخابات و تعجیل در برگزاری و طراحی نامناسب زمان‌بندی از همان ابتدا باعث شده تا مسئله اصلی مجریان و ناظران، پس از اعلام اسامی، نظارت بر روند تبلیغات باشد و آمادگی برای برگزاری انتخابات و رسیدگی به شکایات نامزدهای رد صلاحیت‌شده، تحت‌الشعاع آن قرار گیرد. البته، نظامی که بر

پایه آن عدالتی بنا شده که حق را باز پس می‌گیرد «حتی اگر مهر زنانشان کرده باشند»، باید تضعیف حق «حتی» یک نفر را هم برنتابد و فرصت و فراغت و تدارک کافی برای رسیدگی به شکایت‌ها داشته باشد.^۳ اتفاقاً، بخش مهمی از اما و اگرها پیرامون انتخابات، دربارهٔ همین رد صلاحیت‌هاست. نظارت حق هیئت نظارت و شورای نگهبان است، اما همان قانون خواسته تا مستندات رد صلاحیت‌ها به نامزدهای رد صلاحیت‌شده داده شود (که اعتراضات نامزدها در این سال‌ها و شواهد حاکی از عدم تحقق این امر است)، ثانیاً به اعتراض آنها رسیدگی شود. زمان کوتاه هشت‌روزه پیش از انتخابات برای این اعتراض‌ها فرصت کوتاهی است. درحالی‌که اگر فاصلهٔ یکی دو هفته‌ای بین اعلام اسامی با آغاز تبلیغات باشد، نخست اینکه فرصت برابر تبلیغات برای کسانی که در این میانه تأیید صلاحیت می‌شوند ایجاد می‌شود؛ و دوم، افکار عمومی این فرصت را پیدا می‌کند که دربارهٔ رد صلاحیت‌شده‌ها به قرار برسد و تصوّر انتخابات یک‌طرفه در او ایجاد نشود. آنچه از رهبر انقلاب دربارهٔ اقناع مخالفان گفته شد، در اینجا بیشتر دانسته می‌شود. دو سال از انتخابات سال ۹۲ گذشته است، ولی هنوز در هر فرصتی، چه از سوی نامزدهای شاخص رد صلاحیت‌شده و چه از سوی برخی اعضای شورای نگهبان، توضیح دربارهٔ علل رد صلاحیت‌ها داده شده است، اما هنوز شورای نگهبان رسماً دلایل خود را دربارهٔ رد صلاحیت‌ها اعلام نکرده است تا بحث دربارهٔ آن درگیرد و افکار عمومی اقناع شود. ادامهٔ بحث در این باره نیز نشان از عدم اقناع مخالفان دارد.

نظارت حق شورای نگهبان است، اما تفاوت جمهوری با نظام‌های دیگر در پاسخ‌گوبودن صاحبان قدرت به جمهور مردم است؛ یعنی، صاحبان قدرت باید اعمال خود را برای مردم توضیح دهند و البته توضیح‌دادن منافی حق آنان نیست، بلکه حق مردم در دانستن را متقابلاً یادآور می‌شود.^۴ حق پاسخ‌گویی مسئولان به مردم از طریق رسانه‌ها به عنوان رکن چهارم دموکراسی جاری می‌شود. شنوندگان یا دانشجویان (آن هم دانشجویان از گروه‌های خاص یا دانشگاه‌های خاص) نمی‌توانند نمایندهٔ افکار عمومی باشند و جمع رسانه‌ها (با سلیق گوناگون) است که افکار عمومی را نمایندگی می‌کند.

نکتهٔ مهم اینجاست با گسترش چشمگیر پیام‌رسان‌های موبایلی که

امروزه و در ناکارآمدی رسانه ملی، صحنه گردان اصلی اطلاع‌رسانی کشور و سازنده افکار عمومی هستند، افکار عمومی بسیار قدرتمندتر شده است. و متأسفانه، با عدم الزام مسئولان به پاسخ‌گویی به رسانه‌های رسمی (مجازی و غیرمجازی)، پیام‌رسان‌های موبایلی بیشتر «رسانه شایعه» هستند تا خبرپراکنی و البته مسئولیتی در پیام‌رسانی صحیح ندارند و به کسی هم پاسخ نمی‌دهند. بنابراین، فقدان اطلاعات رسمی و پایین بودن سواد رسانه‌ای کاربران باعث می‌شود که اخبار نادرست و شایعات به سرعت در شبکه‌های اجتماعی منتشر شود.

با توجه به رشد پیام‌رسان‌های موبایلی و گسترش آنها و استفاده عموم دارندگان تلفن‌های هوشمند از آنها، پیش‌بینی می‌شود در انتخابات آتی، این شبکه‌ها نقش جدی‌تری ایفا کنند و بخشی از نقش‌آفرینی آنها قاعدتاً دادن اطلاع (و شایعه) به مردم درباره تأیید و رد صلاحیت‌هاست. اگر هیئت نظارت و شورای نگهبان اطلاع‌رسانی دقیق و درخور شبهات مطرح شده انجام ندهند، طبیعتاً سازنده افکار عمومی این پیام‌رسان‌های موبایلی خواهند بود.

لذا، تدارک زمان کافی بررسی مجدد صلاحیت‌ها و پاسخ‌گوبودن درباره رد صلاحیت‌ها، پیش از آغاز رسمی تبلیغات نامزدها، هم به عدالت نزدیک‌تر است و هم باعث می‌شود که مردم بدون شبهه و شایعه و با اقناع درباره نظارت‌های دقیق و عادلانه، پذیرای انتخابات بشوند و هم انتخابات به هدف اصلی خود نزدیک‌تر شود.

بخشی از مسئله حق، و به‌ویژه حقوق نامزدها، که گاه تحت‌الشعاع اصل انتخابات قرار می‌گیرد، مجازات‌های پیش‌بینی‌شده برای تخلفات است. در قانون انتخابات، برای جرایمی چون خرید و فروش رأی و رأی‌دادن با شناسنامه دیگری (ماده ۶۶) مجازات پیش‌بینی شده (و در ماده ۸۳، این مجازات‌ها تعیین شده است). اما این تخلف‌ها بیشتر تخلف در روز رأی‌گیری است، ولی مجازات‌های پیش‌بینی‌شده برای جرایم افراد مؤثر در انتخابات، که بر شکل‌گیری افکار عمومی پیش از انتخابات اثر می‌گذارد، نوعاً مجازات‌های نقدی است. حتی، گاه مجازات‌ها به مسئولان خود آنها

واگذار شده است؛ به عنوان نمونه، برای تخلف اعضای هیئت‌های نظارت از قوانین و مقررات، نهاد بالادستی که خود آنها را تعیین کرده، یعنی شورای نگهبان، موظف است «حسب مورد و متناسب با تخلفات انجام شده، برخورد قانونی نماید» (ماده ۵۲: ۴۷). این دور در نظارت و پاسخ‌گویی و بررسی به تخلفات می‌تواند زمینه‌ساز تخلفات یا غره‌شدن از عدم انجام نظارت شود؛ و انجام کار درست، بیشتر از رویه‌های قانونی، به تشخیص و انصاف و وجدان و عدالت ناظران واگذار شده است، درحالی‌که در دوران مدرن و بر اساس روح/القوانین مونتسکیو، هر قدرتی با قدرت دیگر کنترل و نظارت می‌شود. نمونه دیگر از مجازات‌های غیرمؤثر، ماده ۶۴ قانون انتخابات است که می‌گوید مطبوعات و نشریات حق ندارند آگهی یا مطلبی علیه نامزدهای انتخاباتی درج کنند و نامزدها حق دارند پاسخ خود را ظرف ۱۸ ساعت پس از انتشار نشریه مزبور بدهند و آن نشریه مکلف به درج آن در اولین چاپ خود خواهد بود. همین ماده تصریح می‌کند که «انتشار این گونه مطالب در غیرمطبوعات نیز ممنوع است و نامزد معترض حق دارد نظر خود را منتشر نماید»؛ اما، این ماده نمی‌گوید که فرضاً اگر «غیرمطبوعاتی» چون صداوسیما مطلبی علیه یک نامزد منتشر کرد، نامزد معترض چگونه می‌تواند حق خود را برای انتشار نظر خود به الزامی برای صداوسیما تبدیل کند؛ و نیز اگر آن مطلب خلاف علیه یک نامزد، آن اندازه مؤثر بود که پاسخ‌ها نتوانست اعتبار اولیه را بازگرداند، آیا انتخابات کماکان عادلانه است یا خیر، چون فرصت را از یک نفر گرفته است؛ و اگر رسانه متخلف پاسخ را منتشر نکرد، تکلیف نامزدی که حقیض ضایع شده چیست؟ فرضاً که رسانه متخلف پس از انتخابات، مجازات و حتی توقیف شد، تکلیف آن حق چه می‌شود؟ همین مسئله درباره تبلیغات طرفداران یک نامزد علیه نامزدهای دیگر نیز مطرح است. مطابق ماده ۶۵، هرگونه «هتک حرمت و حیثیت نامزدها» برای عموم ممنوع بوده و «متخلفین طبق مقررات مجازات خواهند شد»، ولی باز هم اگر این هتک حرمت منجر به کاهش رأی یا حذف یک نامزد شد، آیا عادلانه است که انتخابات مجدداً ادامه پیدا کند؟ در اصلحیه اخیر انتخابات که هنوز در شورای نگهبان بررسی نشده، همین نوع از مجازات‌ها پیش‌بینی شده است: رئیس‌جمهوری، وزیر کشور،

استانداران، اعضای شورای نگهبان و سایر متولیان امور اجرایی و نظارتی انتخابات «نمی‌توانند به نفع یا به ضرر نامزدها و جریان‌های سیاسی در انتخابات اعلام نظر نمایند. در صورت تخلف از حکم این ماده، مرتکبان به جزای نقدی درجه شش موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند». این مجازات بیست تا هشتاد میلیون ریال است. طبیعتاً، اعلام نظر رئیس‌جمهور، وزیر کشور یا اعضای شورای نگهبان می‌تواند روند انتخابات را به نفع یک نامزد مشخص یا به زیان دیگری تغییر دهد؛ و مجازات اظهارنظرکننده ربطی به حق ضایع‌شده از نامزدها در انتخابات ندارد و تناسبی هم با اندازه جرم ندارد و از این رو نمی‌تواند بازدارنده هم باشد.

اختصاص زمان کافی برای مسئله مهمی مانند انتخابات، مسئله‌ای است که تاکنون کمتر به آن توجه شده و طراحان قانون اساسی و نیز نمایندگان که آیین‌نامه انتخابات را نوشتند، به همه جزئیات انتخابات توجه کرده‌اند، اما اهتمام داشته‌اند که همه آن موارد در زمان اندکی محقق شود و این ممکن نیست. اصولاً، یک آسیب جامعه ایرانی نظریه «زود و زور» است که بنا به گفته صاحب نظریه سازگاری ایرانی، رویه رایج در جامعه ایران اولاً، تعجیل در رسیدن به هدف است و دوم، به کار بستن قوه قهریه برای رسیدن به آن است. چه بسیار قوانین و تصمیمات و برنامه‌های جامعی که در دوره‌های کوتاه مدتی تصویب شده تا از «برهه حساس کنونی» (که ظاهراً همیشگی است) گذر شود، اما چون در بررسی و نگارش آن تعجیل شده، هم تصمیم ناقص است و لذا به خوبی اجرا نمی‌شود و هم چند برابر زمان اولیه باید صرف شود تا نواقص طرح اولیه گرفته شود. درحالی که صرف وقت اولیه، هرچند در نظر اول زاید به نظر برسد، از بسیاری گرفتاری‌های بعدی جلوگیری می‌کند.^۵

یک نمونه روشن از ایده زود و زور، اصلاحاتی است که مجلس در قانون انتخابات انجام داده است و نوعاً پیش از انتخابات است نه پس از آن. آسیب‌شناسی انتخابات در زمان مناسب که شائبه‌های سیاسی و اضطراب تغییر در آن نیست، انجام نمی‌شود. فهرست اصلاحات انتخابات مجلس عبارت است از: اصلاح ۱۱ بهمن ۱۳۷۰ (انتخابات اسفند ۱۳۷۱)، اصلاح ۲

شهریور ۱۳۷۴ (انتخابات اسفند ۱۳۷۴)، اصلاح ۷ دی ۱۳۷۸ (انتخابات بهمن ۱۳۷۸)، اصلاح ۱۰ دی ۱۳۸۵ (انتخابات اسفند ۱۳۸۶)، اصلاح ۲۶ فروردین ۱۳۸۶ (انتخابات اسفند ۱۳۸۶)، انتخابات ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۹ (انتخابات اسفند ۱۳۹۰) و اصلاحات اخیر آبان ۱۳۹۴ (انتخابات اسفند ۱۳۹۴). همین مسئله دربارهٔ انتخابات ریاست جمهوری نیز صادق است. لرد کرزن (که در سال ۱۸۸۹ در سمت خبرنگار روزنامهٔ تایمز به ایران سفر کرده بود)، در کتاب *ایران و قضیهٔ ایران*، در نقد برنامه‌های شتابناک دورهٔ رضاشاه، ایدهٔ «شتاب همراه با تأنی» را مطرح می‌کند.^۶ «Festina Lente» اصطلاحی لاتینی است منسوب به آگوست، امپراتور معروف رم، که توصیه می‌کرد: «برای اینکه کاری را نیک انجام بدهید، با تأنی شتاب کنید». این اصطلاح در انگلیسی به معنای «به آرامی عجله کنید»^۷ است و گاهی با این تعبیر بیان می‌شود که «شتاب بیشتر، سرعت کمتر»^۸.

تأنی در کارهای مهم و اقناع افکار عمومی، آن بخشی از مسئله است که کمتر دیده شده است.

پی نوشت

۱. در حکم نخست‌وزیری مهندس بازرگان (۱۶ بهمن ۱۳۵۷)، امام خمینی مشروعیت حکم خود را چنین بیان کرده‌اند: «برحسب حق شرعی و حق قانونی ناشی از آرای اکثریت قاطع فریب به اتفاق ملت ایران که طی اجتماعات عظیم و تظاهرات وسیع و متعدد در سراسر ایران نسبت به رهبری جنبش ابراز شده است...».
۲. اصل ۶۸ قانون اساسی صراحتاً تنها دلیل برای به تعویق انداختن انتخابات را جنگ و اشغال بخش‌هایی از کشور می‌داند و تفسیر شورای نگهبان (سی آبان ۱۳۸۰) بر اساس همین اصل نیز هیچ تعویقی را نمی‌پذیرد.
۳. نکتهٔ مهم این است که، همان‌طور که گفته شد، رویکرد حیثیتی‌دادن به انتخابات و پیوندزدن مشروعیت نظام با آن، موجب شده تا هرگونه اعتراض و مخالفت، حرکت در جبههٔ دشمن قلمداد شود. در این روند، معترضان به سرعت تبدیل به مخالف می‌شوند و موافقان برای جلوگیری از سوءاستفاده‌ها سکوت می‌کنند. درحالی‌که لزوماً اعتراض‌ها به معنای مخالفت با نظام نیست. ولی اصرار در برگزاری انتخابات در زمان مشخص و فرصت کم پاسخ‌گویی به اعتراضات و البته عدم پاسخ‌گویی مناسب توسط ناظران باعث

شده تا در هر دوره انتخابات، اعتراضات بی‌پاسخی شکل گیرد؛ اعتراضاتی که با اندکی تدبیر و الزام شورای نگهبان به پاسخ‌گویی می‌تواند تمام شود.

۴. از همین رو است که آنچه در ماده ۷۲ قانون انتخابات «اختیار» شورای نگهبان دانسته شده، باید «وظیفه» شورای نگهبان باشد؛ یعنی، «در صورتی که رسیدگی به شکایات هریک از حوزه‌های انتخابات منجر به توقف یا ابطال انتخابات گردد» اعلام از رسانه‌های گروهی از اختیارات شورای نگهبان شمرده شده، درحالی‌که مردمی که در یک حوزه انتخابات رأیشان باطل شده، «حق» دارند دلایل آن را بدانند.

۵. دولت امریکا یکی از نمونه‌هایی است که در فکر بنیان‌گذاران آن، تأمل در اجرا دیده شده و ممکن تلقی شده است، و توکویل در کتاب دموکراسی در آمریکا نوشته شده در ۱۸۳۵، به عنوان یک ناظر خارجی مسئله را این طور بیان می‌کند: «در تاریخ امریکا پدیده‌ای وجود دارد که بی‌سابقه و بی‌نظیر است و آن این است که تنها در امریکاست که می‌بینیم ملت بزرگی پس از آنکه از طریق قوه مقننه خود آگهی یافت که چرخ‌های حکومتی از کار ایستاده و متوقف است، بدون آنکه عجله و یا هراسی ابراز نماید به منظور چاره‌جویی و بررسی وضع خود مدت دو سال از هرگونه عمل و اقدامی خودداری نمود تا بالاخره چاره را به دست آورد و پس از به‌دست آوردن راه حل، بدون آنکه قطره خون و یا اشکی بر بشریت تحمیل گردد، خود را داوطلبانه تسلیم آن نمود» (توکویل، ۱۳۸۳: ۱۳۷) و این رویه در تاریخ امریکا نادر نیست. در اکتبر ۲۰۱۳، به دلیل عدم تصویب بودجه توسط کنگره، ۱۶ روز دولت امریکا تعطیل شد و فقط خدمات ضروری ارائه می‌داد و اتفاقی نیز نیفتاد. اخیراً نیز زمزمه‌های تعطیلی مجدد دولت امریکا شنیده می‌شود.

۶. کرزن می‌گوید: «برای اصلاح سریع ایران (باید شتاب با تأنی داشت و) نباید در صدد نقشه‌های بزرگ افتاد که جز شکست نتیجه‌ای ندارد. پروژه‌های عالی از قبیل کشیدن خط آهن از شمال به جنوب و از شرق به غرب و مجهزکردن این سرزمین با زرهی از کارخانه‌ها و کارگاه‌ها فقط به اتلاف مال منجر خواهد گردید و بانی چنین نقشه‌هایی را مآلاً بدنام خواهد کرد. اعطای عجولانه برای ساختن و پرداختن همه قسم اقلام وارداتی و صادراتی که در زیر آسمان یافت می‌شود، از تلفن تا تنباکو و از گلاب تا میز رولت، متضمن نفعی پایدار نیست و از این قبیل کارها، غالباً چیزی جز انباشتن کیسه‌های مباحثران آن هدفی در میان نخواهد بود... در بسیاری از نقاط باید راه‌های مالرو مقدم بر جاده و جاده مقدم بر خط آهن ساخته شود» (کرزن، ۱۳۸۰: ۷۵۳).

7. Make haste slowly.

8. More haste, less speed.

منابع

اداره کل امور انتخابات شورای نگهبان (۱۳۹۰). *مجموعه قوانین انتخابات مجلس شورای اسلامی*، تهران: اداره کل امور انتخابات شورای نگهبان.

توکویل، آلکسی دو (۱۳۸۳). *دموکراسی در آمریکا*، ترجمه رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای، تهران: علمی و فرهنگی.

کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۸۰). *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی.